

"تنها یک بدن وجود دارد."

نوشته سی.اچ. مکتناش

مزمور ۹۳، اول قرن تیان ۳:۱۶، اول قرن تیان ۶:۱

کتاب مقدس حقیقتی را فرا روی ما میگذارد که بعقیده من دارای اهمیت بسیار اساسی برای تک تک ما است، هم از جنبه فردی و هم از رویکرد مشارکتی مانند کلیسا و یا در کل بعنوان هیکل خداوند، در این جا هر ایمانداري بطور واقعی و قطعی خیمه عهد عتیق شناخته می شود، که خداوند در او ساکن است، باید این واقعیت را قبول نمایم که او یعنی عیسی مسیح در هر ایمانداري زندگی میکند، این حقیقت را بدانید و آنرا بسنجید، موضوع صرفاً یک عقیده شخصی نیست، بلکه حقیقت خداوند است، اگر کسانی کتاب مقدس را قبول نمایند جر و بحث با آنان بی فایده خواهد بود.

واقعیتی که در اینجا ارائه میشود چیزی نیست که بتوان گفت من این طور فکر میکنم یا به طرز دیگری می اندیشم. خداوند شخصاً اینجا در روی زمین مسکنی دارد. این حقیقت را به این نحو نگاه کرده، و در آن تعمق کنید. نگویید ما باید این طوری باشیم، بلکه هویت خود را بنگرید، و بعد حاصل کار را ببینید، و نگاه کنید که آیا مسکن خداوند شده اید: "خانه تو ای خداوند برای همیشه با قدوسیت آراسته شده است."

این اساس واقعیتی است که مبنا و نظم آن از زمانی شروع شد که خداوند بر روی زمین مسکنی داشت. ما هرگز تا قبل از رستگاری چیزی در مورد زندگی خدا با انسان نشنیده بودیم. اما درست در لحظه ای که اسرائیل قدم از مصر بیرون مینهد، در ساحل دریای سرخ، اولین کلماتی که از لبهای مردم نجات یافته میشنویم "من مسکنی برای خدایم آماده خواهم کرد." و درست در زمانیکه آخرین میخ خیمه زمینی خداوند، زده میشود، حضور پر جلال او وارد شده و در میان مردم خود مسکن میگزیند.

اما حضور و جلال او قدوسیت را طلبیده و بعد آنرا محافظت مینماید. یوشع ۶ و یوشع ۷ را مطالعه کنید، تا دقیقاً همین تأثیرات عظیم را ببینید: اریحا به ویرانه تبدیل گشته، و تپه ای از سنگ ها در دره عخور. یک نفر جرأت آلوده کردن جمیع فرزندان خدا را به خود داد! چه قدر آمرانه و محکم است! دیدن آن دیوارهای فرو ریخته زیر پای فرزندان خدا خاطره ای بس بیاد ماندنی بود. ولی دقت کنید: همان

حضوری که اریحا را ویران نمود نمیتوانست گناه یک نفر را نا دیده بگیرد. روح القدس این وقایع را برای ما ثبت کرده است، و وظیفه اجباری ماست که به آنها گردن نهیم، و سعی کنیم روحمان را از آموزه های آنها سیراب کنیم.

قوه درک یوشع که محصول ایمان او بود، باید او را از بودن چیزی دست پا گیر آگاه میساخت. اسرائیل قومی بود که خداوند بین آنان زندگی میکرد. این حقیقت خصوصیتی به آنان بخشیده بود که هیچ ملتی در دنیا نداشت. این نقطه قوت اسرائیل را هیچ یک از ملل جهان نداشتند. اما خدا همیشه خدا است، و او به حقیقت خود وفادار، و قادر مطلق که همواره از نام خود حراست میکند. یوشع فکر کرد که مشکل، جلال نیافتن این نام عظیم است.

اگر یهوه حاضر است که به قوم خود در مقابل دشمنانش پیروزی عطا کند، او همچنین آماده است در وقت خود آنان را تنبیه نماید. "اسرائیل گناه کرده بود!" خداوند نمیگوید یک نفر خطا نموده، او را پیدا کنید. بلکه ششصد هزار اسرائیلی گناه کرده بودند، چون اسرائیل یک ملت واحد است، حضور الهی در میان آنان، باعث بوجود آمدن و تشکل اتحادشان گردید. سعی نکنید برای این کار دلیل بیابید. در این مورد، قضاوت هم نکنید، اما اجازه دهید این موضوع شما را داوری کند. "اسرائیل گناه کرده بود،" این تنها دلیلی بود که قوم خدا نتوانست به پیروزی دست یابد. و آنان میبایست نفر به نفر قدم به جلو نهاده، تا کسی که به فرمان خداوند بی اعتنائی کرده، شناخته شده و دستگیر گردد. خداوند با کار شریرا نه نمیتواند سازش نماید. ضعف به تنهایی مانع انجام کار نمیشود، اما شرارت چرا. آیا خداوند میتواند حضور پر برکتش را به شریر قرض دهد؟ هرگز! اگر ما مکانی برای سکونت خداوند هستیم، پس باید مقدس باشیم. این یکی از اصول ابدی است، که هرگز نمیشود آنرا نادیده گرفت.

اما سؤال اصلی این بود: چطور میشد گفت که همه اسرائیل مرتکب گناه گشته است؟ ششصد هزار نفر معصوم! جواب این است، که اینها یک قوم بیش نیستند، و این اتحاد میبایست حفظ و اعلام میشد.

در لاویان ۲۴ میخوانیم، که دوازده قرص نان بطور دائم روی میز طلائی در حضور خداوند نهاده میشد، و هفت چراغدان از طلا نیز بر روی آن میگذارند تا نورشان بر آنها بتابد. قسمت پایانی همین فصل نشان میدهد که مردی را به خارج از اردوگاه آورده، و تمام قوم میبایستی او را سنگسار نمایند. چرا این بخش از کتاب آسمانی از معنی و کاملیت خاصی برخوردار است؟ این بخش از فصول کتاب مقدس روشن و پر جلال هستند، بطوریکه روح القدس ضمن دسته بندی مطالب، توجه ما را به آنها جلب مینماید، تا هر واقعیتی، و هر شرایطی، عمق بی انتها و جلال معنوی خود را نمایان سازد.

چرا، پس، ما این گونه ارتباط را در لاویان میابیم؟ برای مشخص نمودن این اصل اساسی: و برای حفظ یگانگی قوم خدا، نیازی مبرم به قدرت ایمان میباشد، که در هر موردی و در هر نقطه ای اعلام شود، و این حقیقتی شگفت انگیز و قابل اجراست. نخست یک طرف قضیه خداوند میباشد: اسرائیل از نقطه نظر الهی در چه وضعیتی قرار دارد، و زیر نظر نظم و اراده یهوه چگونه میتواند باشد. و به نفعش خواهد بود که خداوند را وفادارانه همراهی و اعلام کرده، و حقیقت اصلی او را حتی، در میان ویرانه ها و آلودگی های ملل اطراف خود حفظ نماید. من صادقانه و مصرانه اعلام مینمایم آنچه که خداوند در حال حاضر ما را به آن ملزم مینماید، این حقیقت عظیم، یکی بودن در مسیح را نه تنها حفظ نمائیم، بلکه جلو روی هر شخصی و هر چیزی آنرا اعلام نیز بکنیم.

ایلیای نبی در کوه کرمل، زمانیکه پادشاهی به دو قسمت تقسیم شده بود، دوازده قطعه سنگ به نشانه هر قبیله یک عدد، برای ساختن مذبح بکار برد. شاید آن موقع گفته میشد، دیگر اسرائیل از دوازده قبیله تشکیل نشده است، یا اتحاد اسرائیل از هم گسسته و از بین رفته، اما این طور نیست این یگانگی امری دائمی و پا بر جاست، وحدتی هست که هر گز از بین نمیرود و تسلیم نمیشود. قوم خدا همیشه دوازده است، چون چشمان خداوند نظاره گر آن دوازده قرص نان روی میز طلائی، آن دوازده قطعه سنگ روی سینه بند هارون هستند. ایمان آن حقیقت را محکم نگه داشته است، و ایلیا مذبح خود را با دوازده سنگ بنا میکند. اتحاد چیزی نیست که از میان برداشته شود، اگر چه بعضی مواقع مثل آبیندی میماند که طغیان آب از رویش بگذرد و دیده نشود. کلیسا در روز پنطیکاست واحد بود، و در روز جلال هم یکی خواهد بود، و امروز هم یک بدن هست و یک روح، و همانطور بود آن روزی که روح القدس، فصل چهارم افسسیان را نوشت. این یگانگی چطور شکل گرفته است؟ توسط روح خدا، و مشارکت با شخصیتی که در دست راست خداوند نشسته است.

بدین ترتیب بنا بر سه دلیل اساسی من باید زندگی پاک و مقدسی داشته باشم: من به خداوندی که با او متحد شده‌ام نباید بی حرمتی کنم، و روح القدس را که در من ساکن است نباید محزون نمایم، و به اعضاء بدنی که من نیز یکی از عنصرهای تشکیل دهنده اش هستم صدمه و آسیب نرسانم.

من احساس مسئولیت میکنم که این واقعیت را با شما در میان بگذارم. اجازه ندهید در برکتی که در آن قدم بر می دارید شریر شما را گول زند. سعی کنید عوامل تشکیل دهنده، قدرت تأثیرگذاری آنرا درک نمائید. فکر کنید که وضعیت و قدم بر داشتن شما در این لحظه چه اثری بر سایر ایمانداران خواهد کرد. "اگر عضوی درد بکشد، سایرین نیز بی نصیب نخواهند ماند." تمام اسرائیل به سبب گناه عخان به دردسر افتاده بود. فکر کرد کسی او را ندیده است، و کسی از موضوع خبر نداشت، و یواشکی آن چیزهای دزدیده شده را در خیمه خود پنهان نمود. اگر شرایط شما نیز همین است، باید سریعاً و کاملاً بایستید: هیچ نیروئی از جانب خداوند به سود شما نخواهد بود: نیروئی هست، اما برای تأدیب شما نه برای پیروزی تان، و قدرتی هست که بتواند شما را کاملاً خورد نماید.

بگذارید کلام خدا را با وجدانها و با احساسات خود ارزیابی نکنیم، بلکه به سادگی باور کنیم که چه میگوید. ما خواندیم فقط یک روح است که هر عضوی را به راس جلال آسمانی وصل مینماید، و در روی زمین نیز تمام اجزاء همین بدن به این ترتیب به هم مرتبط میشوند. در این بدن هر ایمانداری که خارج از این اشتراک باشد، مانند یک موجود مخربی میماند که به برادران هم ایمانی خود لطمه میزند. این حقیقت بزرگ را اعتراف کنید، به سادگی آنرا بپذیرید، در هر شرایطی که هست. هرگز آنرا انکار ننمائید، شما میگوئید برادران ایمانی همه شکسته و درمانده شده اند! من جواب میدهم، برادران ایمانی ذهن مرا پر نکرده اند، بلکه حقیقت خداوند در وجود من است. چشمهای خود را از این و آن بردارید، و آنها را بر راستی خدای یکتا متمرکز نمائید.

آیا شما وجداناً مانند یک بدن دور هم جمع شده اید؟ من آزادانه و بطور اختصاصی با شما صحبت میکنم، چون معتقدم این حقیقت خدشه دار شده است. در سال ۱۸۴۸ سر کلیسا مورد هجوم قرار گرفت، یعنی شخص عیسی مسیح. در سال ۱۸۸۲ نیز واقعیت یک بدن در مسیح مورد حمله قرار گرفت. "او که به عیسی مسیح وصل شده یک روح است"، و با تمام آنان که در خداوند می باشند یکی است. هیچ چیز مثل استقلال در کلام خدا با ارزش نیست، هر تجمع کوچکی در هر جایی، اعلام وجود کلیسای بهم پیوسته خداوند است، مانند دوازده قبیله اسرائیل که در عهد عتیق مشاهده نمودیم.

این حقیقت، مانند یک ریسمان طلائی، در صفحه به صفحه کلام خدا میدرخشد، و همیشه به ایمان ربط داده شده است. چرا دانیال به سمت اورشلیم به دعا ایستاد؟ خانه خدا جلو دید چشمان انسانی او نبود، ولی در معرض دید ایمانی بود. ایمان میدانست که دعاها باید به آن سمت باشند، چون او روزی در آن جا و حتی در کمینگاه شیران پاداش خود را دریافت میکرد.

دوباره، زمانیکه پولس رسول را در حضور اغریپاس پادشاه میبینیم، و قوم خدا که در سرتاسر آن سرزمین بین ملل اطراف پراکنده اند، پولس از " وعده خدا برای دوازده قبیله اسرائیل صحبت میکند. " و اینجا کلمه واحد یعنی یک ملت بکار رفته است. پولس وعده خدا را برای قوم خدا بیان میکرد.

آیا شما میخواهید وحدت کلیسای خداوند بر هم بخورد؟ آیا قصد دارید باشریر همکاری کرده و خاک در چشم مقدسین خداوند پاشید، و حقیقت عالی و ابدی بودن در یک بدن را پنهان کنید؟ در مورد " پیوستن " به کسی و به چیزی چگونه میاندیشید؟ اگر به شباهت عیسی مسیح تبدیل گشته اید، تمام مراحل " پیوستن " قبلاً به انجام رسیده! " شما به خداوند و کلیسای او اضافه گشته اید، " و جزئی از این تشکیلات هستید که احدی نمیتواند حتی یک لحظه هم به شما نزدیک شود، هیچ کس قادر نیست یک عضو ساده را از بدن مسیح، که بنا بر اراده ابدی خداوند، و به موجب اقدام روح القدس به او پیوسته، جدا سازد.

هیچ نیازی نیست که شخصی این بدن را سامان دهی نماید. خداوند را شکر، به هیچ وجه، این کار به انسان مربوط نمیشود. روح القدس در روز پنطیکاست نزول فرمود تا آنرا شکل دهد، و هنوز هم اینجا در روی زمین است. و هنگامیکه خداوند عیسی مسیح بازگشت نماید تا آنرا به جلال ببرد، " شهر مقدس " اورشلیم جدید خواهد بود، مثل یک عروس آماده و آراسته شده برای داماد، که در آنجا " حد اعلای فیض خداوند، در نیکوئی خود به جهت ما و از طریق عیسی مسیح به انجام خواهد رسید. "